پژوهشی نو پیرامون حدیث کسای یمانی به روایت حضرت فاطمه زهرا عليها‌السلام

نویسنده: حیدر تربتی کربلایی.

## پیش گفتار

بسم الله الرّحمان الرّحیم

الحمدلله ربّ العالمین، الّذی جعل محمّداً و آله صلوات الله علیهم أجمعین مظاهر جماله و جلاله. الّذین أذهب الله عنهم الدّناسات و طهّرهم تطهیراً (مطلقاً، مادّیّاً و معنویّاً)، و الّذین هم الصّراط المستقیم و الطّریق الوحید الی معرفه الله و طاعته، و لولا معرفتهم فالضّلاله لامحاله، فصلّی الله علیهم صلاهً لا نهایه لها، و لعنهالله علی أعدائهم و مخالفیهم و ظالمیهم و غاصبی حقوقهم، و مدّعی شئونهم و مراتبهم و الرّاضین بذلک، لعناً دائماً أبدیّاً الی أبدالآبدین آمین.

از گنجینه های ارزندهٴ ثانی ثقلین که از محتوای غنی و بابرکت اسرار ولایت کلّیّه تکوینی برخوردار است؛ حدیث شریف کسا به روایت عصمت کبری، فاطمه زهراعليهما‌السلام است. این حدیث شریف و نورانی، اگرچه کوتاه است، امّا سرشار از مطالب ارزنده ای دربارهٴ ولایت کلّیّه تکوینی و همچنین تفسیر آیات قرآنی و ولایی است که البته نیازمند شرحی جامع و تفسیری ولایی می باشد.

هرچند برخی ناآگاهان در صحیح بودن این حدیث شریف تردید ایجاد می کنند امّا بحمدالله در میان شیعیان و پیروان اهل بیت عصمت و طهارتعليه‌السلام ، از شهرت و رونق خوبی برخوردار بوده و برای برآورده شدن حاجت ها و شفای بیماران خوانده می شود.

در این نوشته به حول و قوّه الهی و کرم حضرت ولیّه الله العظمی و آیته، صاحبه الولایه الکلّیّه الالهیّه وحجّه الله علی الحجج، سیّده نساء العالمین فاطمه الزّهراء صلوات الله و سلامه علیها و علی اهل بیتها، درصدد پاسخ به آن گفتارهای بی اساس برآمده ایم و در ادامه، متن حدیث را همراه با اختلاف نسخه ها و منابع می آوریم.

امیدواریم به درگاه آن حضرت قبول افتد و از عنایت ایشان بهره مند شویم.

حدیث إنّ فاطمه بقیّه النّبوّه

## مقدّمهٴ اوّل: شبهه ها دربارهٴ حدیث کساء

اشاره

گفته شده است: این حدیث به روایت حضرت زهراعليهما‌السلام و با این مضمون در هیچ کدام از کتاب های معتبر حدیث خاصّه (شیعیان اهل بیت عليه‌السلام و یا عامّه نیامده است. و «المنتخب» نخستین کتابی است که حدیث را نقل کرده و سندی برای آن ذکر نکرده است و تنها سند ذکر شده برای آن، حاشیه کتاب «العوالم» است و در سند حاشیه «العوالم» از محدّثانی چون سیّد هاشم بحرانی و... تا کلینی رحمهم الله نام برده شده در حالی که در هیچ کدام از کتاب های حدیثی آنان، حدیث کسا بدین صورت نیامده است.

در پاسخ باید گفت: هنگام شهادت رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و پس از آن، اختناق شدیدی بر جامعه اسلامی حاکم گشت و به شدّت از انتشار حدیث و خبرهای صحیح به این بهانه که «با نشر احادیث رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ، قرآن کنار گذاشته می شود» و «قرآن ما را بس است» جلوگیری شد و هرکس تخلّف می کرد، مورد تعقیب و مجازات قرار می گرفت. لعنت خداوند متعال بر کسانی که از گردآوری احادیث رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و ثبت صحیح حوادث تاریخی صدر اسلام، جلوگیری کردند و ما را از بسیاری اطّلاعات تاریخی، حدیثی، فقهی، تفسیری و... از منبع وحی، محروم ساختند.

و از میان آن رویدادها، گردآمدن پنج تن آل عبا در خاندان وحی و خانهٴ حضرت فاطمه زهراعليهما‌السلام است.

از طرفی، بسیاری از کتاب های معتبر، طیّ قرن های متمادی، دستخوش حوادث ناگواری چون سوختن، غارت، فرسودگی و... شده اند.

و گاه در کتاب خانه های دولتی یا شخصی و یا موزه های گوشه و کنار جهان، از پیدا شدن برخی از این کتاب ها خبر می رسد و چنان چه شرایط فراهم باشد، چاپ شده و در اختیار پژوهشگران قرار می گیرد. بنابراین عدم الوجدان لایدلّ علی عدم الوجود.

علاوه بر این، نخستین منبع این حدیث شریف، که از آن آگاهی داریم و از اعتبار والایی برخوردار است، کتاب «الغرر و الدرر» محدّث جلیل دیلمی قدّس سرّه است که در هفت قرن پیش نگاشته شده و نسخه ای از آن در کتاب خانه دانشگاه تهران موجود است. علمایی در عصر ما، این کتاب را دیده اند و ما را از محتوای آن آگاه کرده اند. البته کتاب های معتبر دیگری نیز حدیث کسا را نقل کرده اند که ان شاءالله در این زمینه اطّلاعات ارزنده ای عرضه می شود.

## منابع حدیث کساء

1- غرر الأخبار و درر الآثار فی مناقب الأخیار: نوشتهٴ شیخ حسن بن علی بن محمّد معروف به واعظ دیلمی قدّس سرّه متوفای قرن هشتم هجری. در حال حاضر نسخه ای خطّی از این کتاب در کتاب خانه دانشگاه تهران در ضمن مجموعه اهدائی آقای مشکات به شماره: 1488 می باشد.

کتاب شناس بزرگ شیعه، علامه آقا بزرگ تهرانی قدّس سرّه می نویسد: «کتاب ((عجاله الرّاکب و قناعه الطّالب فی المناقب))، فارسی و تالیف مولی محمّد حسین بن محمّد مهدی کرهرودی سلطان آبادی قدّس سرّه متوفا در شهر کاظمین در سال1314 قمری می باشد. او این کتاب را به فرمان سیّدعلی بجستانی نوشت... این کتاب به خطّ وی در کتاب خانه ((طهرانی)) در شهر سامرا موجود است. اوّل آن چنین است:

 [الحمدلله الذی أفاض علینا الوجود لمعرفته و طاعته...] و در آن کتاب ذکر نموده است که حدیث کسا را همراه با سند و همراه با اختلاف در متن آن، در کتاب ((غرر الأخبار)) دیلمی دیده است،... ».(1)

وی می نویسد: « ((غرر الأخبار و درر الآثار فی مناقب الأخیار))، تألیف شیخ ابومحمّد حسن بن ابی الحسن محمّد دیلمی(ره)، از اهل آخر سده هفتم و پس از آن تا میانه هشتم قمری بوده است...، علامه مجلسی(ره) از وی در آغاز کتاب بحارالأنوار نقل می کند و همچنین از کتاب الغرر وی مولی محمّد حسین کرهرودی(ره) معاصر و متوفا در شهر کاظمین در سال1314 قمری در تألیف های خود بسیار نقل می کند، از جمله آنها حدیث کسا می باشد به ترتیبی که در منتخب طریحی(ره) است با اختلافی بسیار کم و به سندهایی

1- الذّریعه:15/222.

چند. و می گویم: نزد سیّد آقا تستری(ره) نسخه ای ناتمام از کتاب ((الغرر)) را دیدم و در چند جای آن از خود نام می برد...، و نسبت به حدیث کسا، سند در آن ذکر نشده بود و بعضی از بخش های آن چنین بود: [... حتّی أنّهم ذکروا لمّا دخلوا تحت الکساء قال اللّه تبارک و تعالی للملائکه: یا ملائکتی و سکّان سماواتی ما خلقت سماءً مبنیّهً...] و حدیث چنان است که طریحی نقل کرده است تا اینجا: [ثمّ قال علیّ عليه‌السلام أجزنی یا رسول اللهصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ] و در آن بخش های گفتار امام علیعليه‌السلام و پاسخ های رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم چنان که طریحی آورده است نمی باشد...».(1)

آیه الله فقید مرعشی نجفی قدّس سرّه می فرمایند: «از جمله کسانی که این متن حدیث کسا را نقل کرده است، واعظ بزرگوار، دیلمی صاحب کتاب ارشادالقلوب است که در کتاب

1- الذّریعه:16/36-37.

الغرر و الدّرر تقریباً نیمی از این حدیث را آورده است».(1)

محی الدّین موسوی غریفی در کتاب «آیه التّطهیر» می نویسد: «قسمتی از کتاب الغرر دیلمی(ره) را در کتابخانه شخصی شیخ شیر محمّد همدانی در نجف اشرف دیدم».(2)

2- المنتخب الکبیر فی المراثی و الخطب: آقا بزرگ تهرانی قدس سرّه می نویسد: «کتاب المنتخب...، از آنِ شیخ فخرالدّین بن محمّد علی بن احمد بن طریحی نجفی(ره) است. وی متوفای سال 1058 قمری می باشد... و در حاشیهٴ کتاب، حدیث کسا به گونهٴ مختصر از کتاب «نهج المحجّه» که تألیف شیخ علی نقی بن شیخ احمد بن زین الدّین احسایی است، آمده است و نسخه دیگری از المنتخب می باشد که بین آن و کتاب المنتخب که به چاپ رسیده است، در برخی

1- شرح احقاق الحق:2/557.

2- صفحه 88.

لفظ ها اختلاف می باشد و در هر مجلسی سه باب است و از آن ده مجلس موجود می باشد و آن به خطّ محمّد مهدی بن محمد قاسم استرآبادی در سال1096 قمری می باشد... ».(1)

3- (حاشیه) عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال حیاه سیّده النساءعليهما‌السلام: جلد یازدهم چاپ دوم و سوم: آیه الله سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی قدّس سرّه می نویسند: «...سخن را دربارهٴ حدیث کسا با ایراد نسخه ای از حدیث کسا که رایج است در مجالس مؤمنان از شیعیان خاندان پاک رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم که برای درخواست شفا و بهبودی نزد بیماران و برای درخواست حاجت ها خوانده می شود، به پایان می رسانیم، و من آن را نقل می کنم از رسالهٴ عالم جلیل حجّت زاهد حاج شیخ محمّد تقی فرزند حاج شیخ محمّد باقر یزدی بافقی، ساکن در قم که مظلومانه و در اسارت از دنیا

1- الذّریعه:22/420.

رفت و خداوند حقّ او را از کسانی که وی را ستم نمودند و از وطنش دور نمودند بگیرد، سپس به دیگر نسخه ها اشاره می کنیم به یاری و کرم خداوند تعالی... (بخشی از نامهٴ آیه الله بافقی به آیه الله مرعشی قدّس سرّهما) ... عوالم که از کتاب های معتبر شیعه و صاحب آن در کمال جلالت و اعتبار است و تقریبا زیاده از هفتاد جلد است و جلد یازدهم آن در احوالات حضرت سیّده النّساء فاطمه الزّهراء صلوات الله وسلامه علیها و علی ابیها و بعلها و بینها است و حقیر عبادالله محمّد تقی بن محمّد باقر بافقی یزدی قمی نجفی، این حدیث شریف را از آن کتاب مبارک نقل نمودم. انشاءالله تمام شیعیان سعی نموده این حدیث و آن کتاب و سایر کتاب ها را طبع خواهند فرمود و حضرت احدیّت جلّت عظمته همه را موفّق و مؤیّد فرماید. توضیح آنکه هفتاد جلد آن در یزد درکتاب خانه مرحوم حجّت الاسلام آقای آقا میرزا سلیمان قدّس

سرّه موجود می باشد. تتمّه آن ظاهراً در بحرین در خانوادهٴ مرحوم مؤلّف می باشد. التماس دعا از منتظرین حجّه بن الحسن صلوات الله و سلامه علیه و علی آبائه الطّاهرین دارم.

بسم الله الرّحمن الرّحیم قال الشّیخ عبدالله البحرانی صاحب العوالم: رأیت بخطّ الشّیخ الجلیل السّیّد هاشم البحرانی (سند و حدیث را همان گونه که از عوالم نقل شده است، آورده اند تا آنجا که می فرماید:) [و الآخره بربّ الکعبه]. تمام شد آنچه را که به خطّ مرحوم عالم زاهد بافقی یافتم.

سپس از فاضل جلیل شیخ محمّد صدوقی یزدی خواستم تا اینکه از نسخه کتاب عوالم، سند حدیث و متن آن را بنویسد و آرزوی مرا برآورد. پس آن را با نسخه مرحوم آقای بافقی مقابله نمودم و هر دو را مطابق با هم یافتم، حرف به حرف. و میان آن دو اختلافی نیافتم به جز آن که آقای صدوقی ذکر نمود که حدیث کسا و متن آن را در حاشیه و کنار کتاب عوالم یافته بود. و از کسانی که آن (حدیث شریف کسا به روایت حضرت صدّیقه طاهره فاطمه زهراعليهما‌السلام) را نقل نموده است، علامه جلیل ثقه ثبت شیخ ما فخرالدّین محمّد علی طریحی اسدی نجفی، صاحب مجمع البحرین در کتاب المنتخب الکبیر است. میان او و آنچه از کتاب عوالم شده به جز زیاده سلام ها و نیز در جملهٴ فرمایش رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم [اللّهمّ هؤلاء أهل بیتی و حامّتی] دیگرتفاوتی نیست... و عالم جلیل و حجّت، مسئول کتاب خانه و موزهٴ روضهٴ عبدالعظیم حسنیعليه‌السلام در شهر ری آقای حاج شیخ محمّد جواد رازی کنی در کتاب خود (نورالآفاق صفحه4 چاپ تهران) متنی را که آوردیم به واسطهٴ مرحوم بافقی، عیناً حرف به حرف، آورده است و چنین می گویند: و از شیخ مورد وثوق خود حاج شیخ محمّدحسین سیستانی درباره سند این حدیث شریف شنیدم که او از سیّد حسن بن سیّد مرتضی یزدی

شنیده است که روایت کرده است صاحب عوالم... و سند را تا آخر همان طور که نقل کردیم ذکر نموده است و از سخن وی برمی آید که حدیث مذکور در دو جای عوالم آمده است یکی در جلد یازدهم و دیگری در جلد شصت و دوم عوالم پس دقت نما».(1)

4- نهج المحجّه فی فضائل الائمّهعليه‌السلام : آقا بزرگ تهرانی قدّس سرّه درباره این کتاب می نویسند: «کتاب نهج المحجّه فی فضائل الائمّهعليه‌السلام و إثبات حقّهم و غصب غیرهم و بدع الغاصبین المبتدعین، از شیخ علی تقی بن احمد احسائی متوفای سال1246 است و در سال 1235 از نوشتن آن فارغ گشت و این کتاب مانند کتاب الصّراط المستقیم بیاضی می باشد. این کتاب را بر مقدمه و ده فصل و یک خاتمه مرتّب نموده است و نسخهٴ آن را نزد عبدالکریم آل حیدر در

1- شرح إحقاق الحق:2/553-558.

بغداد دیدم و در سال 1373 در دو جلد و در تبریز به چاپ رسیده است و در آن نقل حدیث کسا را دیدم ولی از متن منتخب طریحی کمتر بود».(1)

5- حسین علوی دمشقی حنفی از خانواده های نقیبان شام است و آیه الله مرعشی قدِس سرّه می نویسند: «حدیث کسا را به خطّ او دیده اند».(2)

چگونگی صاحبان منابع حدیث

1- الذّریعهإلی تصانیف الشّیعه:٢٤/٤٢٤ رقم2220.

2- شرح إحقاق الحق:2/553-558.

1 واعظ دیلمی شیخ حسن فرزند علی فرزند محمّد دیلمی قدّس سرّه:

شیخ محمّد بن الحسن حرّ عاملی صاحب دائره المعارف بزرگ فقه مأثور اهل بیت عصمت و طهارتعليه‌السلام «تفصیل وسائل الشّیعه» در کتاب «أمل الآمل»:٢/٧٧ رقم٢١١، وی را فاضل محدّث صالح معرّفی نموده است. و نیز علامه مجلسی قدّس سرّه از او با تعبیر «شیخ عارف» یاد نموده است و میرزا عبدالله افندی قدّس سرّه دربارهٴ او می فرماید: «شیخ عارف عالم، محدّث جلیل، معروف به دیلمی» و همچنین صاحب روضات الجنّات قدّس سرّه می نویسد: «عالم عارف وجیه واعظ معروف که به هر وصف زیبایی موصوف است. شیخی از بزرگان اصحاب ما و محدّثین بوده». سیّد محسن امین عاملی نیز در اعیان الشّیعه دربارهٴ او می نویسد:

«وی عالم عارف، عامل محدّث، کامل وجیه، از بزرگان اصحاب ما و فضلای در فقه و حدیث و عرفان و تاریخ غزوات و... می باشد». و محدّث قمی قدّس سرّه در الکنی و الألقاب او را «شیخ محدّث وجیه نبیه...» توصیف نموده است. او صاحب کتاب های ارزنده ای چون: «اعلام الدّین فی صفات المؤمنین» و کتاب «ارشاد القلوب» است.

مؤلّف گوید: از کلام مرحوم دیلمی چنین برمی آید که ایشان، کتاب خود را در سال 756 یعنی در اواسط قرن هشتم هجری به پایان رسانده است.

2 شیخ فخرالدّین بن محمّد بن علی بن احمد طریحی نجفی معروف به شیخ طریحی قدّس سرّه متوفای سال ١٠٨٥، یکی دیگر از نقل کنندگان این حدیث شریف می باشد.

شیخ حرّ عاملی قدّس سرّه وی را «فاضل زاهد، پاکدامن عابد، فقیه و شاعر جلیل القدر» توصیف نموده است و کتاب های مجمع البحرین و المقتل و المنتخب در زیارت و خطبه ها و شعر و رسائلی چند را از تألیفات او دانسته و می نویسد که با او هم عصر است.(1) محدّث قمی قدّس سرّه در سفینه البحار می نویسد: «شیخ طریحی قدّس سرّه همان عالم فاضل محدّث پاکدامن زاهد عابد فقیه، شاعر جلیل، صاحب کتاب مجمع البحرین و المنتخب در مقتل و الفخریّه در فقه و... است... حکایت شده است که وی عابدترینِ اهل زمان خود و پاکدامن ترین بوده است. روایت کند از وی فرزند دانشمندش صفی الدّین و علامه سیّد هاشم توبلی بحرانی و مجلسی و خود از شیخش محمّد فرزند حسام مشرقی از شیخ بهایی...».

3 شیخ محدّث بزرگ و متتبّع آگاه عبدالله بن نورالله

1- أمل الآمل:٢/٢١٤ الرقم648.

بحرانی اصفهانی قدّس سرّه، بزرگ شاگرد علامه بزرگوار مجلسی قدّس سرّه، از خطّ سیّد هاشم بحرانی قدّس سرّه، از استاد بزرگوارش سیّد ماجد بحرانی، از شیخ حسن بن زین الدّین شهید دوم، از استادش مقدّس اردبیلی، از استادش علی بن عبدالعالی کرکی، از شیخ علی بن هلال جزائری، از شیخ احمد بن فهد حلّی، از شیخ علی بن خازن حائری، از شیخ ضیاء الدّین علی بن شهید اول، از پدرش، از فخر المحقّقین، از شیخ و پدرش علامه حلّی، از شیخ خود محقّق حلّی، از استادش ابن نمای حلّی، از استادش محمّد بن ادریس حلّی، از ابن حمزه طوسی صاحب ثاقب المناقب، از شیخ جلیل محمّد بن شهرآشوب، از طبرسی صاحب احتجاج، از استاد بزرگوارش حسن بن محمّد بن حسن طوسی، از پدرش شیخ طائفه حقّه طوسی، از استادش شیخ مفید، ازاستادش ابن قولویه قمی، از استادش شیخ کلینی، از علیّ بن

ابراهیم، از پدرش ابراهیم بن هاشم، از احمد بن محمّد بن ابی نصر بزنطی، از قاسم بن یحیی بن الجلاء کوفی، از ابوبصیر، از ابان بن تغلب، از جابر بن یزید جعفی، از جابر بن عبدالله انصاری از فاطمه زهراعليهما‌السلام متن این حدیث را روایت نموده است که تصویری از نسخه خطّی آن ضمیمه می شود.

4 شیخ علی تقی بن احمد احسائی.

5 حسین علوی دمشقی حنفی از اشراف شام.

## نظم حدیث کسا

محقّق و کتاب شناس بزرگ شیعه آیه الله سید حسن صدر قدّس سرّه چنین می نویسد: «سیّد محمّد بن سّید ابراهیم... موسوی جبعی شحوری، جدّ اعلای ما... شاگرد شیخ محمّد باقر سبزواری صاحب الذّخیره بود،... از نوشته های باقی مانده او «قصیده نونیّه بزرگ» وی می باشد که در آن، حدیث کسا را به همان کیفیتی که طریحی در المنتخب آورده، به نظم آورده است... ».(1)

آقابزرگ تهرانی قدّس سرّه چنین نگاشته است: «ارجوزه در حدیث کسا که نظم علامه سیّد محمّد بن سیّد معزّ الدین محمّد مهدی حسینی قزوینی حلّی متوفای سال 1335قمری است و در پنجاه بیت می باشد و آن را علامه سیّد محمّد

1- تکمله أمل الآمل:335-337.

صادق آل بحرالعلوم در کتاب مجموع الرّائق آورده است».(1)

آیه الله مرعشی نجفی قدّس سرّه می نویسند: «و این حدیث شریف را تنی چند از فرزانه های شعر و ادب از اصحاب ما (شیعیان) به نظم درآورده اند. از برترین آنان علامه فقیه ادیب آیه الله ابوالمعزّ سیّد محمّد بن علامه سیّد مهدی قزوینی حلّی متوفای سال 1335قمری می باشد. وی در بالاترین جایگاه جلالت و بزرگی بود. او از دوستان پدر علامه ام بود. روانش شاد باد... . دیگر سرایندهٴ این حدیث، فاضل معاصر و جلیل استاد شیخ علی خاقانی نجفی می باشد که بابلیّات از سروده های ایشان است و در مجلّه ((البیان)) چاپ شده است، خداوند برکت و جود وی را دوام بخشد و در میان ما چون او را بسیار گرداند... ».(2)

1- الذّریعه:1/470.

2- شرح احقاق الحق:2/558.

آقابزرگ تهرانی می نویسد: «... محدّث ماهر حاج شیخ محمّدباقر... قائنی بیرجندی صافی صاحب کتاب «الکبریت الأحمر فی شرائط اهل المنبر» در مقتل به زبان فارسی است وی حدیث کسا را به نظم آورده و در سال 1343 قمری به چاپ رسیده است... ».(1)

و می نویسد: «طور سیناء در شرح حدیث کساء» به فارسی، از شیخ معاصر حاج شیخ علی اکبر... نهاوندی متوفا در مشهد خراسان است.(2)

1- الذّریعه:17/260.

2- الذّریعه:15/181.

## چند نکته

برای شرح حال راویان حدیث، واقع در طریق عوالم، به موسوعهٴ رجالی بزرگ «معجم رجال الحدیث»، تألیف آیه الله خوئی قدّس سرّه مراجعه کنید.

محدّث و دانشمند فقید، سیّد عبدالرّزاق موسوی مقّرم قدّس سرّه می نویسد:

«حدیث کساء»

«سخنان مفسّران، روایت های محدّثان و صاحبان سیره و ارباب معجم ها همه بر اینکه منظور از اهل بیت در سخن خدای متعال: «إِنَّما یُریدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیراً» همان پنج تن اصحاب کسا است، اتّفاق دارند. اصحاب کسا یعنی پیامبر اعظمصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و وصیّ آن حضرت، امیرمؤمنانعليه‌السلام و دخترش حضرت صدّیقه سیّدهٴ زنان دو جهان از اوّلین و آخرینعليهما‌السلام و دو فرزندش که دو

آقای اهل بهشت امام حسنعليه‌السلام و امام حسینعليه‌السلام هستند. و در این مورد از گروهی از صحابه و تابعین، نصّ متواتر وجود دارد. و ابن جریر طبری در تفسیر جامع البیان پانزده طریق و سیوطی در تفسیر الدّرّ المنثور تا بیست طریق ذکر کرده است. و پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم همیشه در فرصت ها و موارد متعدّد آشکارا می فرمود که اصحاب کسا اختصاص به همین پنج تن دارد. حتّی آن حضرت پس از نزول آیه تطهیر هرگاه برای نماز صبح خارج می شدند، بر در خانه فاطمهعليهما‌السلام می ایستادند و با صدای بلند ندا می کردند: «الصّلاه أهل البیت» و آیه تطهیر را قرائت می فرمودند. و شش ماه یا هفت و یا هشت ماه بر این روش بودند و هیچ کس نقل نکرده و نگفته که این توقّف بر در خانهٴ یکی از زنان و نزدیکان آن حضرتصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بوده است و این عمل از شخص حکیمی چون رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم دلالت بر معنای بزرگ و مهمّی دارد که آیه

دربردارندهٴ این معنای عظیم است و آن اینکه آیه اختصاص به این پنج تن دارد و هیچ فرد دیگری از مسلمانان را شامل نمی شود. ولی گروه هایی که انکارکنندهٴ فضیلت اهل کسا هستند؛ وقتی دیدند نمی توانند این فضیلت را از ریشه انکار کنند، غیر این پنج تن را شریک در اهل بیت قرار داده و به شاهدهایی سست تر از خانهٴ عنکبوت استناد کرده اند و حتّی خودشان در این گفته مانند کسی که در شب تاریک، هیزم جمع می کند، سرگردان و مردّد هستند. و با اینکه رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به امّ سلمه اجازهٴ داخل شدن در کسا را نداد و فقط به او فرمود: به راستی تو بر خیری و از زنان پیامبر هستی، انکارکنندگان فضیلت اهل بیت، دیدند نمی توانند مطالب خود را به خورد مردم بدهند، راه دیگری را پیشه ساختند و آن این بود که حدیث را تحریف کردند و از حدیث ویژگی هایی که برای پنج تن آمده بود انداختند و فقط به

نزول آیه در شأن ایشان اکتفا نمودند؛ امّا متتبّع کامل شیخ فخرالدّین طریحی نجفی که از نوادر روزگار و از مفاخر علما به شمار می آید، در کتاب «المنتخب» چاپ نجف صفحه186، روایت را همان طور که از منبع وحی رسیده، ذکر نموده. علامه و حجّه الاسلام سیّد عدنان آل سیّد شبّر بحرانی و سیّد محمّد فرزند آیه الله سیّد مهدی قزوینی از علامه محقّق طریحی تبعیّت کرده اند. و علامه حجّه الاسلام سیّد محمّد کاظم یزدی صاحب عروه الوثقی در «أجوبه المسائل المتفرّقه»، همان را اذعان نموده است و (دور از صحّت نمی داند) و علامه سیّد شهاب الدّین تبریزی در رسالهٴ کوچک فارسی که آن را «حدیث کسا» نامیده است، سندی را برای این حدیث متذکّر شده و در آن رسالهٴ کوچک، حدیث سلسله الذّهب را بیان داشته است.این کتاب در سال 1356 قمری به طبع رسیده است. به کتاب الذّریعه

در فهرست مصنّفات شیعه:6/378 مراجعه شود. و محبّ الدّین طبری در ذخائر العقبی:22، و ابن حجر در الصّواعق المحرقه:86 از اختلافی که در روایات تعیین کسا و محلّی که در آن جمع بودند و آنچه امّ سلمه جواب داده و غیر اینها است، استظهار کرده اند که واقعه متعدّد است. ولی من دلیلی برای تعدّد واقعه نمی بینم زیرا در حقیقت واقعه یکی است و آیه کریمه در همان یک مورد نازل شده است. و لیکن راویان خبر این فضیلت را آن چنان که صادر شده، نقل نکرده اند و در این واقعه طبق خواستهٴ هوی و هوس تصرّف نموده اند. پس زنان و خویشان پیغمبر را با پنج تن شریک نموده اند در حالی که دور بودن ایشان از آیه چون دور بودن آسمان و زمین است. و شاهد بر این گفتهٴ پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به امّ سلمه است، آن هنگامی که اجازه خواست تا داخل در کسا شود فرمود: «إنّک علی خیر، إنّک من أزواج النّبیّ»، هم چنان

که نمی بینم شک کننده در احادیث اهل بیت که اثبات منزلت های عالی برای آن بزرگواران می نماید فضائلی که پیامبر مرسل و فرشتگان مقرّب به آنها نمی رسند در صحّت این حدیث و آنچه را که برای پنج تن و شیعیانشان اثبات می نماید شک کند و حدیث های متواتر بلکه فوق تواتر بر چنین فضیلتی دلالت دارد. پس در چیزی که نص بر آن قائم است، شک کردن وی دور نخواهد بود».(1)

بنا بر نقل جامع کتاب «الدّعاء و الزّیاره»، پدر ایشان مرحوم آیه الله میرزا مهدی شیرازی قدّس سرّه در مجموعه ای حدیث کسا را با سند متّصل از حضرت زهراعليهما‌السلام نقل می کنند و اینجانب مفتخر به مجاز بودن نقل آن به طریق مذکور به واسطهٴ ایشان هستم.

## منابع، اسناد و راویان حدیث

1- وفاه الزّهراءعليهما‌السلام:48-50.

1 اوّلین مدرک حدیث کسا، از پیشینه ای بیش از شش قرن، برخوردار است.

2 تمامی مؤلّفان، مورد وثوق در حدّ عالی و جلیل القدر بوده اند.

3 حدیث کسا بنا به فرمایش مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی(ره)، در کتاب الغرر و الدّرر چندین سند دارد.

4 کتاب الغرر را سیّد آقا بزرگ شوشتری و مولی محمّد حسین کرهرودی و آقا بزرگ تهرانی و آیه الله مرعشی و غریفی رحمهم الله دیده اند.

5 نسخه ای از کتاب الغرر در کتابخانه دانشگاه تهران موجود می باشد.

## مقدّمهٴ دوّم: اضافات و پاسخ به سایر شبهه ها

اشاره

پس از چاپ یکم، خوشبختانه کتاب شریف «غرر الأخبار و درر الآثار فی مناقب أبی الأئمّه الأطهار» برای نخستین بار به اهتمام مکتبه العلامه المجلسی قدّس سرّه و با تحقیق اسماعیل الضیغم ضمن سلسله مصادر بحارالأنوار جلد5، 1427 ه.ق به زیور طبع آراسته شد. در صفحه 298 فصل23 این کتاب چنین آمده است: حتّی أنّهم ذکروا لمّا دخلوا تحت الکساء قال سبحانه و تعالی للملائکه: یا ملائکتی و سکّان سماواتی، ما خلقت سماءً مبنیّه، و لا أرض مدحیّه، و لا قمر یسری، و لا فلک یجری، إلّا لأجل الخمسه الذین تحت الکساء. فقال جبرئیل عليه‌السلام: یا إلهی و سیّدی و مولای، و من تحت الکساء؟ فقال جلّ جلاله: فاطمه و أبوها و بعلهاو بنوها. فقال: یا ربّ، أ تأذن لی أن أنزل إلیهم و أبشّرهم و أکون معهم؟ فقال: نعم. فنزل، و قال: السلام علیکم، یا حبیبی

یامحمّد! أتأذن لی أن أکون معکم فأکون سادسکم؟ فقال: نعم، قد أذنت لک. فقال: یا حبیبی یا محمّد! ربّک یقرئک السلام و یخصّک بالتحیّه و الإکرام و یقول: و عزّتی و جلالی و علویّ و ارتفاعی، ما خلقت سماء مبنیّه، و لا أرضا مدحیّه، و لا شمسا، و لا قمرا، و لا نجما، و لا جنّه، و لا نارا إلّا لأجلکم.

امّا دربارهٴ شبهه ها، پیش از هر چیز لازم است بدانیم که زیر سؤال بردن، اشکال وارد کردن و ترویج نظریّات پالایش نشده درباره متونی از این قبیل که شیعیان در طول قرون متمادی، در مجالس شکوه مندی، به خواندن آن ملتزم بوده و هستند جز ایجاد تردید در اذهان عموم و فراهم آوردن مستمسک برای دشمنان تشیّع، نتیجهٴ دیگری ندارد. بنابراین باید پیش از هر اقدامی، مباحثی از این دست، در مجامع علمی برّرسی شده و صحیح ترین و مستندترین نظر علمی در میان مردم مطرح شود. امّا اشکالات و پاسخ ها:

## الف: گفته شده است: این سلسه سند به لحاظ تاریخی

صحیح نیست، چرا که برخی از راویان با راوی پیش از خود هم عصر نبوده اند. بنابراین نمی توانند از راوی قبل از خود روایتی نقل کنند.

پاسخ: صحّت استناد یک حدیث به معصوم، تنها با داشتن سند صحیح محرز نمی شود. مثلاً مقبولهٴ عمر بن حنظله، هرچند سند آن صحیح، معتبر و متواتر نیست، امّا علما و فقها آن را اخذ به قبول نموده و براساس آن فتوا داده اند. محتوای بسیار ارزشمند حدیث شریف کساء نیز بر صحّت صدور آن از ساحت معصوم دلالت دارد.(1)

بنابراین با استناد به قاعدهٴ تسامح در ادلّهٴ سنن، حتّی اگر متنی مانند حدیث کساء، سند صحیح نداشته باشد، عدم ضعف محتوایی بلکه متن بسیار قوی و ارزشمند آن می تواند

1- ر.ک: «التّحقیق حول سند حدیث الکساء» و «فاطمهعليهما‌السلام در آیینه کتاب».

بر صحّت صدور آن از معصوم دلالت کند. گذشته از اینکه این حدیث شریف، از مجرّبات امامیّه بوده و مورد تأیید مراجع شیعه از جمله علماء و آیات سیّد محمّد کاظم یزدی صاحب عروه الوثقی در کتاب «اجوبه المسائل المتفرّقه»، سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی و آیه الله سیّد محمّدرضا موسوی گلپایگانی و آیه الله سیّد محمّد روحانی و... است.(1)

ب: حدیث کساء روایت شده از حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها دلالت بر وقوع آن و اجتماع خمسه طیّبه در خانهٴ آن حضرت دارد در حالی که احادیث صحیح در این باره بر وقوع این حادثه در خانه امّ سلمه، همسر رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ، دلالت دارند. و حدیث کساء در خانه حضرت زهراء عليهما‌السلام اعتبار ندارد.

## پاسخ: بزرگانی از پیروان خلفای سقیفه ملعونه، چون احمد

1- ر.ک: حدیث کساء و آثار شگفت.

بن حجر هیثمی شافعی متعصّب افراطی (ت٩٧٤ه) در کتاب محترقه خود «الصّواعق المحرقه» صفحه:١٤٤ چاپ قاهره مصر می نویسد: محبّ الدّین طبری (ت٦٩٤ه) اشاره کرده است که واقعه کسائیّه در خانه امّ سلمه و خانه حضرت فاطمهعليهما‌السلام و... تکرار شده است.

می بینیم که این نقل، در قرن هفتم و از طریق پیروان اصحاب سقیفهٴ ملعونه صورت گرفته و در آن به صراحت اعلام شده است که یکی از مواضع اجتماع خمسهٴ طیّبه، خانه حضرت فاطمهعليهما‌السلام است.

از طریق شیعه نیز سیّد جلیل علیّ بن طاووس(ره) در کتاب شریف «الطّرائف فی معرفه مذاهب الطّوائف» مواردی از اختلاف روایات را آورده و می فرماید: این روایات دلالت بر تکرار این واقعه دارد.

ج: حدیث کساء از حیث محتوایی سستی هایی دارد که براهل حدیث مخفی نیست.

پاسخ: این بیان، ادّعایی بیش نبوده و مدرکی ندارد.

د: در حدیث کساء مزبور از حضرت زهراءعليهما‌السلام آمده است که خداوند متعال فرمود: یا ملائکتی! إنّی ما خلقت سماءاً... در حالی که ایشان تنها می توانستند از قول پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم این مطلب را نقل کنند. جز پیامبر کسی نمی تواند چیزی را بدون واسطه از خداوند نقل کند.

پاسخ: دربارهٴ اینکه کسی جز پیامبراکرمصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ، نتواند کلام خدا را بشنود، دلیل عقلی و نقلی وجود ندارد بلکه قرآن کریم به روشنی اعلام می فرماید که وحی بر کسانی که نبی و رسول نبوده اند نیز صورت گرفته است: «و أوحینا إلی أمّ موسی...»(1) «إذ أوحینا إلی أمّک ما یوحی»(2) و... .

1- (٢٨) سوره القصص: آیه٨.

2- (٢٠) سوره طهصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم : آیه٣٩.

نقل قول مستقیم از خداوند و جبرئیل که در حدیث شریف کساء توسّط حضرت صدّیقهٴ طاهرهعليهما‌السلام صورت می گیرد، بیان گر مقام محدّثه بودن ایشان است که با توجّه به نصوص بسیار، برای ایشان ثابت بوده و جای انکار ندارد.

ضمن اینکه نقل قول مستقیم از جانب خداوند توسّط حضرت زهراعليهما‌السلام، اختصاص به حدیث شریف کساء ندارد: محدّث جلیل القدر محمّد بن الحسن الصفّار که از اجلّهٴ شاگردان امام الحسن الزکیّ العسکریّعليه‌السلام است در کتاب شریف خود «بصائر الدّرجات الکبری» که مجموعه ای بسیار ارزشمند از احادیث اهل بیت عصمت و طهارتعليه‌السلام است به سند خود از ابوبصیر، از امام صادقعليه‌السلام نقل می کند که فرمودند:... وَ ما یُدْریهِمْ ما مُصْحَفُ فاطِمَهَ؟! قالَ: مُصْحَفٌ فِیهِ مِثْلُ قُرْآنِکُمْ هذا ثَلاثَ مَرّاتٍ... هُوَ شَیْ ءٌ أَمْلاهَا اللَّهُ وَ أَوْحٰی إِلَیْها(1)...

1- بصائرالدّرجات:١٥١ ب١٤ ح٣ به سندش از ابوبصیر، بحارالأنوار: ٢٦/٣٨ ب١ ح٧٠ از بصائر الدّرجات.

آنان چه می دانند مصحف فاطمه چیست؟ فرمود: مصحفی است که مانند این قرآن شما در آن است، سه برابر... همانا آن چیزی است که خداوند بر ایشان املا فرمود و وحی نمود... . و در همان کتاب شریف به سند خود از محمّد بن مسلم از امام باقر یا امام صادقعليه‌السلام نقل کرده که فرمودند:... وَ خَلَّفَتْ فاطِمَهُ مُصْحَفاً ما هُوَ قُرْآنٌ، وَ لَکِنَّهُ کَلامٌ مِنْ کَلامِ اللَّهِ أُنْزِلَ عَلَیْها، إِمْلاءُ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَطُّ عَلِیٍّعليه‌السلام (1) ... حضرت فاطمه، مصحفی بر جای نهادند که قرآن نیست امّا کلامی از کلام خداوند است که بر ایشان نازل شد، املای رسول الله و دست نوشتهٴ حضرت علیعليه‌السلام بود.

1- - بصائرالدّرجات:١٥٥ ب١٤ ح١٤ به سندش از محمّد بن مسلم، بحارالأنوار: ٢٦/٤١ ب١ ح٧٣ از بصائرالدّرجات.

ه: تعریفی که از جانب خداوند در حدیث کساء حضرت زهراءعليهما‌السلام، از پنج تن شده «هُمْ فاطِمَهُ وَ أَبُوها وَ...» نوعی توهین به رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم است. و باید اوّل رسول الله و سپس امیرالمؤمنین یا حضرت زهرا و... معرّفی می شدند.

پاسخ: تقدّم در تعریف، همیشه بر اشرف و افضل دلالت نمی کند و اگر این اشکال بر حدیث کساء وارد باشد، می توان بر قرآن کریم نیز اشکال وارد کرد، آنجا که در آیهٴ مباهله می فرماید: «تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَکُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَکُم»(1) . بنابراین معرّفی پنج تن از طریق حضرت زهراعليهما‌السلام، به دلایل دیگری انجام شده است.

با توجّه به روایاتی که چند مورد از آنها آورده می شود، فرشتگان نسبت به حضرت زهراعليهما‌السلام آشنایی بیشتری داشتند: انس بن مالک غلام رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از ایشان نقل

1- (٣) سوره آل عمران: آیه٦٢.

می کند که فرمودند:... وَ نُورُ فاطِمَهَ مِنْ نُورِ اللّهِ، وَ فاطِمَهُ أَفْضَلُ مِنَ السَّماوَاتِ وَ الْاَرْضِ،... ثُمَّ إِنَّ اللّهَ خَلَقَ الظُّلْمَهَ بِالْقُدْرَهِ، فَأرْسَلَها فِی سَحائِبِ الْبَصَرِ، فَقالَتِ الْمَلائِکَهُ: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبَّنا مُذْ عَرَفْنا هَذِهِ الْاَشْباحَ ما رَأَیْنا سُوءاً، فَبِحُرْمَتِهِمْ إِلّا کَشَفْتَ ما نَزَلَ بِنا، فَهُنالِکَ خَلَقَ اللّهُ تَعالیٰ قَنادِیلَ الرَّحْمَهِ، وَ عَلَّقَها عَلیٰ سُرادِقِ الْعَرْشِ فَقالَتْ: إِلٰهَنا لِمَنْ هٰذِهِ الْفَضِیلَهُ وَ هٰذِهِ الْاَنْوارُ؟ فَقالَ: هَذا نُورُ أَمَتی فاطِمَهَ الزَّهْراءِ، فَلِذٰلِکَ سُمِّیَتْ أَمَتِیَ الزَّهْراءَ، لِاَنَّ السَّماواتِ وَ الْاَرَضِینَ بِنُورِها ظَهَرَتْ وَ هِیَ ابْنَهُ نَبِیِّیّ وَ زَوْجَهُ وَصِیِّیّ وَ حُجَّتِی عَلیٰ خَلْقی أُشْهِدُکُمْ یا مَلائِکَتِی أَنِّی قَدْ جَعَلْتُ ثَوابَ تَسْبِیحِکُمْ وَ تَقْدِیسِکُمْ، لِهٰذِهِ الْمَرْأَهِ وَ شِیعَتِها إِلیٰ یَوْمِ الْقِیامَهِ(1) و نور فاطمه از نور خداست و دخترم فاطمه، از آسمان ها و زمین برتر است... سپس خداوند به قدرت خود تاریکی را آفرید پس فرشتگان گفتند: پروردگار ما منزّه و پاک و مقدّس است. از زمانی که ما این

1- بحارالأنوار:٢٥/١٦ ح٣٠ از کتاب ریاض الجنان.

اشباح (نور خمسه طیّبه اصحاب کسا) را شناختیم، هیچ سختی و بدی ندیده ایم. پس به حرمت آنان آنچه را بر ما نازل شده است از ما برطرف نما (تاریکی را ببر). آن هنگام خداوند چراغ های رحمت را در سراپردهٴ عرش آویزان فرمود. فرشتگان گفتند: بارالها! این فضیلت ها و نورها از آنِ چه کسی است؟ فرمود: این نور کنیز من فاطمه زهراست. زهرا نامیده شد زیرا آسمان ها و زمین ها به نور او ظاهر شدند و همانا او، دختر پیامبرم و همسر وصی و حجّت من بر مخلوقاتم می باشد. ای فرشتگانم! شما را گواه می گیرم، به تحقیق ثواب تسبیح و تقدیس شما را تا روز قیامت، برای این زن و شیعیانش قرار دادم... .

این حدیث در جایی دیگر به سند از انس بن مالک نقل شده و در آن آمده است:... پس خداوند به فرشتگان چنین وحی فرمود: هَذا نُورٌ اخْتَرَعْتُهُ مِنْ نُورِ جَلالِی لِاَمَتِی فاطِمَهَ ابْنَهِ حَبِیبِی، وَ زَوْجَهِ وَلِیِّی، وَ أَخِی نَبِیِّی، وَ أَبِی حُجَجِی عَلیٰعِبادِی(1)... این نور، نوری است که آن را از نور جلال و عظمت خود برای کنیز خودم فاطمه، دختر حبیبم و همسر ولیّ و برادر پیامبرم و پدر حجّت هایم بر بندگانم آفریدم... .

و به نقل از سلمان فارسی از رسول اللهصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم با اختلاف اندکی آورده شده و در آن آمده است: فَقالَ اللّهُ: وَ عِزَّتِی وَ جَلالِی، لَاَجْعَلَنَّ ثَوَابَ تَسْبیحِکُمْ وَ تَقْدیسِکُمْ إِلَی یَوْمِ الْقِیامَهِ لِمُحِبّی هذِهِ الْمَرْأَهِ وَ أَبِیها وَ بَعْلِها وَ بَنِیها(2) خداوند فرمود: سوگند به عزّت و شکوهم! همانا ثواب تقدیس و تسبیح شما فرشتگان را تا روز قیامت برای دوستان این زن و پدر و شوهر و پسرانش قرار می دهم.

با توجّه به احادیثی از این دست، درمی یابیم که فرشتگان

1- بحارالأنوار:٣٧/٨٢ ب٥٠ ح٥١ از تأویل الآیات:١٤٣ از کتاب مصباح الأنوار.

2- بحارالأنوار:٤٣/١٧ ب٢ ح١٦ از ارشادالقلوب:٢/٤٠٣.

نسبت به حضرت زهراعليهما‌السلام شناخت بیشتری داشتند و به همین جهت خداوند حضرت زهراعليهما‌السلام را برای معرّفی خمسه طیّبه، مرکزیّت بخشیده است.

از طرفی، برای درک حقیقت حضرت فاطمهعليهما‌السلام باید به احادیث رسول اللهصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم دربارهٴ آن حضرت و نیز چگونگی رفتار پیامبر نسبت به ایشان، روی آوریم و با دقّت تمام برای فهم آن بکوشیم. پیامبر بارها به ایشان فرمود: فِداکِ أَبُوکِ پدرت به قربان تو باد. یا درباره ایشان می فرمود: فِداها أَبُوها پدرش به فدایش باد. و موارد دیگر. در اینجا نیز تقدّم نام حضرت فاطمهعليهما‌السلام برای بیان مرتبه ای از شرافت و فضیلت آن حضرت است که در احادیث دیگری نیز به آن اشاره شده است:

جناب سیّد حسن میرجهانی(ره) برایم نقل فرمود چنان که در کتاب خود الجنّه العاصمه:١٤٨ نقل نموده است از کتاب

«کشف اللّئالی» تألیف عالم جلیل شیخ صالح بن عبدالوّهاب بن العرندس حلّی رضوان الله علیه که از علمای شیعه در قرن نهم هجری است، به سند متّصل خود از جابر بن عبدالله انصاری از رسول اللهصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از خداوند تعالی نقل می کند که فرمود: یا أَحْمَدُ! لَوْلاکَ لَما خَلَقْتُ الْاَفْلاکَ، وَ لَوْلا عَلِیُّ لَما خَلَقْتُکَ، وَ لَوْلا فاطِمَهُ لَما خَلَقْتُکُما ای احمد! اگر به سبب تو نبود، افلاک را نمی آفریدم و اگر علی نبود، تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه نبود، شما دو تن را نمی آفریدم. سپس جابر گفت: هذا من الأسرار الّتی أمرنا رسول اللهصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بکتمانه إلّا عن أهله این، از جمله اسراری بود که رسول اللهصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به ما دستور دادند آن را جز از اهلش، پنهان داریم.

و: در پایان حدیث کساء به روایت حضرت زهراعليهما‌السلام سوگند یاد شده است که اگر در جمعی از شیعیان و علاقه مندان اهل بیتعليه‌السلام این حدیث خوانده شود و از این واقعه یادی به میان آید، مشکلات آن ها برطرف شده و خداوند خواسته های آنان را برآورده و مستجاب می گرداند. اگر این حدیث از جانب معصوم نقل شده است، چرا عدّه ای با خواندن حدیث کساء، مشکلاتشان برطرف نمی شود؟

پاسخ: در قرآن کریم می خوانیم «أُدْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُمْ بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را»(1) امّا چنان چه می دانیم بسیاری از دعاهای ما به اجابت نمی رسد. در واقع نفس دعا کردن، توفیقی الهی است که گاه با مستجاب نشدن دعا و در نتیجه تکرار دعا، شامل حال بنده می شود. از طرفی، دانسته های انسان، به دیده ها و شنیده های او خلاصه می شود و چه بسا دعاهایی که اجابت آن به صلاح او نیست امّا او از این امر، آگاهی ندارد امّا خداوند با آگاهی از این امر، این خواسته را با عطایای بیشتر خود در قیامت، اجابت می کند.

1- (٤٠) سوره غافر: آیه٦١.

علاوه بر اینکه، علّت تامّه برای استجابت، تنها دعا کردن نیست و باید سایر شرایط نیز فراهم شود. از جمله اینکه موانع استجابت دعا در میان نباشد که در دعای حضرت خضرعليه‌السلام به روایت امیرالمؤمنینعليه‌السلام که به «دعای کمیل» مشهور است، به آن اشاره شده است: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَحْبِسُ الدُّعاءَ خدایا برای من گناهانی را مورد بخشش قرار ده که دعا را حبس می کند (از بالا رفتن و استجابت دعا، جلوگیری می کند)».

همچنین در نامهٴ٣١ نهج البلاغه که مولا امیرالمؤمنینعليه‌السلام برای سبط اکبر امام حسن مجتبیعليه‌السلام مرقوم فرمودند، آمده است:... فَلا یُقَنِّطَنَّکَ إِبْطاءُ إِجابَتِهِ، فَإِنَّ الْعَطیَّهَ عَلیٰ قَدْرِ النِّیَّهِ، وَ رُبَّما أُخِّرَتْ عَنْکَ الْإِجَابَهُ لِیَکُونَ ذٰلِکَ أَعْظَمَ لِاَجْرِ السّائِلِ، وَ أَجْزَلَ لِعَطاءِ الْآمِلِ، وَ رُبَّما سَأَلْتَ الشَّیْ ءَ فَلا تُعْطاهُ (تُؤْتاهُ)، وَ أُوتِیتَ خَیْراً مِنْهُ عاجِلاً أَوْ آجِلاً، أَوْ صُرِفَ عَنْکَ لِما

هُوَ خَیْرٌ لَکَ، فَلَرُبَّ أَمْرٍ قَدْ طَلَبْتَهُ فِیهِ هَلاکُ دِینِکَ لَوْ أُوتِیتَهُ، فَلْتَکُنْ مَسْأَلَتُکَ فِیما یَبْقٰی لَکَ جَمالُهُ، وَ یُنْفٰی عَنْکَ وَبالُهُ،... هرگز از به تأخیر افتادن اجابت دعا ناامید نباش، زیرا بخشش الهی به اندازهٴ نیّت است. گاه در اجابت دعا تأخیر می شود تا پاداش درخواست کننده بیشتر و جزای امیدوار کامل تر شود. گاه درخواست می کنی امّا پاسخ داده نمی شود، زیرا (خداوند) بهتر از آنچه که خواستی، به زودی یا در وقت مشخّص به تو خواهد بخشید. گاهی دعا به اجابت نمی رسد زیرا چه بسا خواسته هایی داری که اگر داده شود، مایهٴ نابودی دین تو خواهد شد. پس درخواست تو در آن چیزی باشد که زیبایی آن برای تو باقی باشد و وبال آن از تو نفی گردد،... .

همچنین، مضمون فقرات پایانی حدیث کساء به روایت حضرت زهراعليهما‌السلام، در احادیث دیگری نیز آمده است که درباره فضیلت مجالس و اجتماع مؤمنین در ذکر معارف وفضائل اهل بیت عصمت و طهارتعليه‌السلام است.

در نتیجه چنان چه بیان شد، متن حدیث شریف کساء به روایت حضرت زهراعليهما‌السلام با بسیاری از آیات و احادیث هماهنگی کامل داشته و همین، دلالت بر قوّت متن آن دارد.

## رمز های نام منابع برای ذکر اختلاف نسخه ها

احقاق الحق ق

الغرر و الدرر غ

عوالم العلوم ع

المنتخب خ

وفاه الزهراءالمقرّم م

یادآور می شویم که اختلاف کلمه ها در نسخه ها و منابع در پاورقی و داخل کروشه آورده شده است. همچنین عبارت های اضافه بر متن مشهور با علامت (+) و عبارت هایی که در متن مشهور بوده ولی در برخی نسخه ها نیامده است، بدین صورت(-) نمایش داده شده است.

## متن مقابله شدهٴ حدیث شریف کسای یمانی

بِسَنَدٍ صَحیحٍ عَنْ جابِرِ بْنِ عَبْدِاللهِ الْاَنْصاریِّ رَضِیَ اللهُ عَنْهُ، عَنْ فاطِمَهَ الزَّهْراءِ عَلَیْهَا السَّلامُ بِنْتِ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ قالَ:

[بِسْمِ اللهِ الرَّحْمانِ الرَّحِیمِ](1)

سَمِعْتُ فاطِمَهَ(2) اَنَّها قالَتْ: دَخَلَ عَلَیَّ اَبی رَسُولُ اللهِ(3) فی بَعْضِ الْاَیّامِ، فَقالَ: السَّلامُ عَلَیْکِ یا فاطِمَهُ، فَقُلْتُ:(4) عَلَیْکَ السَّلامُ(5) ،

1- «ق».

2- «ق»: + الزَّهْراءِ عَلَیْهَا السَّلامُ بِنْتِ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

3- «ع»: + صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

4- «ق»: + وَ.

5- «ق»: + یا اَبَتاهْ.

قالَ(1) : اِنِّی اَجِدُ(2) فی بَدَنی ضُعْفاً، فَقُلْتُ لَهُ: اُعِیذُکَ بِاللهِ یا اَبَتاهُ مِنَ الضُّعْفِ، فَقالَ(3) : یا فاطِمَهُ ایتینی بِالْکِساءِ الْیَمانیِّ، فَغَطّینی بِهِ، فَاَتَیْتُهُ بِالْکِساءِ الْیَمانیِّ، فَغَطَّیْتُهُ بِهِ، وَ صِرْتُ اَنْظُرُ اِلَیْهِ، وَ اِذا وَجْهُهُ یَتَلَاْلَؤُ کَاَنَّهُ الْبَدْرُ فی لَیْلَهِ تَمامِهِ وَ کَمالِهِ.

(4)فَما کانَتْ اِلاّ ساعَهً وَ اِذا بِوَلَدِیَ الْحَسَنِ(5) قَدْ اَقْبَلَ وَ قالَ: اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا اُمّاهُ، فَقُلْتُ: وَ عَلَیْکَ السَّلامُ یا قُرَّهَ عَیْنی وَ ثَمَرَهَ فُؤادی، فَقالَ(6) : یا اُمّاهُ، اِنِّی اَشَمُّ عِنْدَکِ رائِحَهً طَیِّبَهً،

1- «ق»: فَقالَ.

2- «ق»: لَاَجِدُ.

3- «خ»: + عَلَیْهِ السَّلامُ.

4- «خ»: + قالَتْ فاطِمَهُ عَلَیْهَا السَّلامُ.

5- «ق»: + عَلَیْهِ السَّلامُ.

6- «ق» ، «ع» ، «م»: + لی.

کَاَنَّها رائِحَهُ جَدّی رَسُولِ اللهِ(1) ، فَقُلْتُ: نَعَمْ(2) ، اِنَّ جَدَّکَ(3) تَحْتَ الْکِساءِ، فَاَقْبَلَ الْحَسَنُ(4) نَحْوَ الْکِساءِ وَ قالَ: السَّلامُ عَلَیْکَ یا جَدّاهُ یا رَسُولَ اللهِ(5) ، اَتَاْذَنُ لی اَنْ اَدْخُلَ مَعَکَ تَحْتَ الْکِساءِ؟ فَقالَ: وَ عَلَیْکَ السَّلامُ یا وَلَدی وَ یا صاحِبَ حَوْضی قَدْ اَذِنْتُ لَکَ، فَدَخَلَ مَعَهُ تَحْتَ الْکِساءِ.

فَما کانَتْ اِلّا ساعَهً، وَ اِذا(6) بِوَلَدِیَ الْحُسَیْنِ(7) (8)قَدْ اَقْبَلَ وَ قالَ: السَّلامُ عَلَیْکِ یا اُمّاهُ، فَقُلْتُ: وَ عَلَیْکَ السَّلامُ یا وَلَدی وَ یا قُرَّهَ

1- «ق» ، «ع»: + صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ.

2- «ق»: + یا وَلَدی.

3- «م»: + نائِمٌ.

4- «ق»: + عَلَیْهِ السَّلامُ.

5- «ع»: + صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

6- «ق»: فَاِذا.

7- «خ»: + وَ إذا بِوَلَدیَ الّحُسَیْنِ، «م»: بِالْحُسَیْنِ الشَّهید.

8- «ق» ، «ع» ، «خ»: + عَلَیْهِ السَّلامُ.

عَیْنی وَ ثَمَرَهَ فُؤادی، فَقالَ لِی: یا اُمّاهُ، اِنّی اَشَمُّ عِنْدَکِ رائِحَهً طَیِّبَهً، کَاَنَّها رائِحَهُ جَدِّی رَسُولِ الهِک صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، فَقُلْتُ: نَعَمْ(1) اِنَّ جَدَّکَ وَ اَخاکَ تَحْتَ الْکِساءِ، فَدَنَی الْحُسَیْنُ(2) نَحْوَ الْکِساءِ، وَ قالَ: السَّلامُ عَلَیْکَ یا جَدّاهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنِ اخْتارَهُ اللهُ، اَتَاْذَنُ لی اَنْ اَکُونَ مَعَکُما تَحْتَ(3) الْکِساءِ؟ فَقالَ(4) : وَ عَلَیْکَ السَّلامُ یا وَلَدی وَ یا شافِعَ اُمَّتی، قَدْ اَذِنْتُ لَکَ. فَدَخَلَ مَعَهُما تَحْتَ الْکِساءِ.

1- «ق» ، «ع» ، «م»: یا بُنَیَّ.

2- «ق»: + عَلَیْهِ السَّلامُ، «م»: + مِنْهُ.

3- «م»: + هٰذا.

4- «ع»: + صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، «م»: + لَهُ.

فَاَقْبَلَ(1) عِنْدَ ذالِکَ اَبُوالْحَسَنِ عَلِیُّ بْنُ اَبی طالِبٍ(2) وَ قالَ: اَلسَّلامُ عَلَیْکِ(3) یا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ(4) ، فَقُلْتُ: وَ عَلَیْکَ السَّلامُ یا اَبَاالْحَسَنِ وَ یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ، فَقالَ: یا فاطِمَهُ! اِنّی اَشَمُّ عِنْدَکِ رائِحَهً طَیِّبَهً، کَاَنَّها رائِحَهُ اَخی وَ ابْنِ عَمّی رَسُولِ اللهِ، فَقُلْتُ: نَعَمْ ها هُوَ مَعَ وَلَدَیْکَ تَحْتَ الْکِساءِ، فَاَقْبَلَ(5) عَلِیٌّ(6) نَحْوَ الْکِساءِ وَ قالَ: اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللهِ، اَتَاْذَنُ لی اَنْ اَکُونَ(7) مَعَکُمْ تَحْتَ

1- «م»: ثُمَّ اَقْبَلَ.

2- «ع»: + عَلَیْهِ السَّلامُ.

3- «ق»: + یا فاطِمَهُ عَلَیْهَا السَّلامُ.

4- «ق»، «ع»: + صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

5- «م»: + نَحْوَهُ.

6- «ع»: + عَلَیْهِ السَّلامُ.

7- «م»: اَدْخُلَ.

الْکِساءِ؟ قالَ لَهُ(1): وَ عَلَیْکَ السَّلامُ یا اَخی وَ یا وَصِیّی وَ خَلیفَتِی وَ صاحِبَ لِوائی(2) ، قَدْ اَذِنْتُ لَکَ؛ فَدَخَلَ عَلِیٌّ(3) تَحْتَ الْکِساءِ.

ثُمَّ اَتَیْتُ نَحْوَ الْکِساءِ وَ قُلْتُ: السَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبَتاهُ یا رَسُولَ اللهِ(4) اَتَاْذَنُ لی اَن اَکُونَ مَعَکُمْ تَحْتَ الْکِساءِ؟ قالَ:(5) وَ عَلَیْکِ السَّلامُ یا بِنْتی وَ یا بِضْعَتی، قَدْ اَذِنْتُ لَکِ، فَدَخَلْتُ(6) تَحْتَ الْکِساءِ.

1- «م»: + نَعَمْ.

2- «ق»: + فِی الْمَحْشَرِ نَعَمْ.

3- «ع»: + عَلَیْهِ السَّلامُ، م: + مَعَهُمْ .

4- «ق»، «ع»: + صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

5- «ق»: + لی، «م»: + نَعَمْ.

6- «ق»: + مَعَهُمْ.

فَلَمَّا اکْتَمَلْنا(1) جَمیعاً تَحْتَ الْکِساءِ، اَخَذَ اَبِی رَسُولُ اللهِ بِطَرَفَیِ الْکِساءِ، وَ اَوْمَیءَ بِیَدِهِ الْیُمْنٰی اِلَی السَّماءِ وَ قالَ: اَللّهُمَّ اِنَّ هٰؤُلاءِ اَهْلُ بَیْتی وَ خاصَّتی وَحامَّتی لَحْمُهُمْ لَحْمی وَ دَمُهُمْ دَمی، یُؤْلِمُنی ما یُؤْلِمُهُمْ، وَ یَحْزُنُنی ما یَحْزُنُهُمْ، اَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حارَبَهُمْ، وَ سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَهُمْ، وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عاداهُمْ، وَ مُحِبٌّ لِمَنْ اَحَبَّهُمْ، اِنَّهُمْ مِنّی وَ اَنَا مِنْهُمْ، فَاجْعَلْ صَلَواتِکَ وَ بَرَ کاتِکَ وَ رَحْمَتَکَ وَ غُفْرانَکَ وَ رِضْوانَکَ عَلَیَّ وَ عَلَیْهِمْ، وَ اَذْهِبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُم تَطْهیراً.

فَقالَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ: یا مَلائِکَتی وَ یا سُکّانَ سَماواتی! اِنّی ما خَلَقْتُ سَماءً مَبْنیَّهً، وَ لا اَرْضاً مَدْحیَّهً، وَ لا قَمَراً مُنیراً، وَ لا شَمْساً مُضیئَهً،(2) وَ لا فَلَکاً یَدُورُ، وَ لا بَحْراً یَجْری، وَ لا فُلْکاً

1- «ق»: + وَ اجْتَمَعْنا.

2- «غ»: وَ لا فُلْکاً تَجْری إلَّا لِاَجْلِ الْخَمْسَهِ الَّذینَ تَحْتَ الْکِساءِ.

یَسْری(1) ، اِلاّ فی مَحَبَّهِ هٰؤُلاءِ الْخَمْسَهِ الَّذینَ هُمْ تَحْتَ الْکِساءِ.

فَقالَ الْاَمینُ جَبْرائیلُ: یا رَبِّ(2) ! وَ مَنْ تَحْتَ الْکِساءِ؟ فَقالَ(3) عَزَّوَجَلَّ(4) : هُمْ اَهْلُ بَیْتِ النُّبُوَّهِ، وَ مَعْدِنُ الرِّسالَهِ(5)، هُمْ فاطِمَهُ وَ اَبُوها وَ بَعْلُها وَ بَنُوها.

فَقالَ جَبْرائیلُ: یا رَبِّ اَتَاْذَنُ لی(6) اَنْ اَهْبِطَ اِلَی الْاَرْضِ(7)، لِاَکُونَ مَعَهُمْ سادِساً؟ فَقالَ اللهُ(8) : نَعَمْ(9) قَدْ اَذِنْتُ لَکَ.

1- «ق» ، «ع»: تَسْری.

2- «غ»: فَقالَ جَبْرَئیلُ عَلَیْهِ السَّلامُ یا اِلٰهی وَ سَیِّدی وَ مَوْلایَ.

3- «ق»، «غ»، «م»: + اللهُ.

4- غ»: جَلَّ جَلالُهُ، «م»: سُبْحانَهُ وَ تَعالٰی.

5- «ق» ، «ع» ، «م»: + وَ.

6- «م»: یا رَبِّ.

7- «غ»: اَنْزِلَ اِلَیْهِمْ وَ اُبَشِّرَهُمْ.

8- «ق»: + عَزَّوَجَلَّ.

9- «م»: فَاِذَا النِّداءُ.

فَهَبَطَ الْاَمینُ جَبْرائِیلُ وَ قالَ(1) : السَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللهِ(2) اَلْعَلِیُّ الْاَعْلیٰ یُقْرِئُکَ السَّلامُ، وَ یَخُصُّکَ بِالتَّحیَّهِ وَ الْاِکْرامِ، وَ یَقُولُ لَکَ: وَ عِزَّتی وَ جَلالی! اِنِّی ما خَلَقْتُ سَماءً مَبْنِیَّهً، وَ لا اَرْضاً مَدْحِیَّهً، وَ لا قَمَراً مُنیراً(3) ، وَ لا شَمْساً مُضیئَهً، وَ لا فَلَکاً یَدُورُ، وَ لا بَحْراً یَجْری، وَ لا فُلْکاً یَسْری(4) ، اِلَّا لِاَجْلِکُمْ وَ مَحَبَّتِکُمْ، وَ قَدْ اَذِنَ لی اَنْ اَدْخُلَ مَعَکُمْ(5) ، فَهَلْ تَاْذَنُ لی(6)

1- «ق»: + لِاَبی.

2- «ق»، «ع»: + صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، «غ»: السَّلامُ عَلَیْکُمْ یاحَبیبی یا مُحَمَّدُ! رَبُّکَ.

3- «غ»: + وَ لا جَنَّهً وَ لا ناراً.

4- «ق»، «ع»: تَسْری.

5- «م»: + تَحْتَ هٰذَا الْکِساءِ.

6- «م»، «ق»: + اَنْتَ.

یا رَسُولَ الهَِ؟ فَقالَ(1) رَسُولُ اللهِ: وَ عَلَیْکَ السَّلامُ یا اَمینَ وَحْیِ اللهِ اِنَّهُ نَعَمْ، قَدْ اَذِنْتُ لَکَ، فَدَخَلَ جَبْرائیلُ مَعَنا تَحْتَ الْکِساءِ .(2)

فَقالَ(3) لِاَبِی: اِنَّ اللهَ(4) قَدْ اَوْحیٰ اِلَیْکُمْ یَقُولُ:  اِنَّما یُریدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیراً5)

فَقالَ(6) عَلِیٌّ لِاَبی: یا رَسُولَ اللهِ! اَخْبِرْنی ما لِجُلُوسِنا هٰذا تَحْتَ الْکِساءِ مِنَ الْفَضْلِ عِنْدَ اللهِ؟ فَقالَ النَّبِیُّ(7) : وَ الَّذی بَعَثَنی بِالْحَقِّ

1- «ق»: + اَبی.

2- «م»: مَعَهُمْ وَ قالَ لَهُمْ.

3- «ق»: + جَبْرَئیلُ عَلَیْهِ السَّلامُ.

4- «م»، «ع»: + عَزَّوَجَلَّ.

5- (٣٣) سوره الأحزاب: آیه34.

6- «م»: + اَمیرُالْمُؤْمِنینَ عَلیُّ ابْنُ اَبی طالِبٍ.

7- «م»، «ق»، «ع»: + صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

نَبِیّاً، وَ اصْطَفانی بِالرِّسالَهِ نَجِیّاً! ما ذُ کِرَ خَبَرُنا هٰذا فی مَحْفِلٍ مِنْ مَحافِلِ اَهْلِ الْاَرْضِ، وَ فیهِ جَمْعٌ مِنْ شیعَتِنا وَ مُحِبّینا اِلّا وَ نَزَلَتْ عَلَیْهِمُ الرَّحْمَهُ، وَ حَفَّتْ بِهِمُ الْمَلائِکَهُ، وَ اسْتَغْفَرَتْ لَهُمْ اِلیٰ اَنْ یَتَفَرَّقُوا، فَقالَ عَلِیٌّ(1) : اِذاً وَ اللهِ فُزْنا وَ فازَ(2) شیعَتُنا وَ رَبِّ الْکَعْبَهِ.

فَقالَ(3) النَّبیُّ ثانِیاً(4) : یا عَلِیُّ ! وَ الَّذی بَعَثَنی بِالْحَقِّ نَبیّاً، وَ اصْطَفانی بِالرِّسالَهِ نَجیّاً، ما ذُ کِرَ خَبَرُنا هذا فی مَحْفِلٍ مِنْ مَحافِلِ اَهْلِ الْاَرْضِ، وَ فیهِ جَمْعٌ مِنْ شیعَتِنا وَ مُحِبّینا، وَ فیهِمْ

1- «م»: + عَلَیْهِ السَّلامُ.

2- «م»: فازَتْ.

3- «ق»، «ع»: اَبی.

4- «م»: فَقالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

مَهْمُومٌ اِلّا وَ فَرَّجَ اللهِ هَمَّهُ، وَ لا مَغْمُومٌ اِلّا وَ کَشَفَ اللهُ غَمَّهُ، وَ لا طالِبُ حاجَهٍ اِلّا وَ قَضَی اللهُ حاجَتَهُ.

فَقالَ عَلِیٌّ :(1) اِذاً وَ اللهِ فُزْنا وَ سُعِدْنا وَ کَذٰلِکَ شیعَتُنا، فازُوا وَ سُعِدُوا فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ وَ رَبِّ(2) الْکَعْبَهِ.

1- «م»: + عَلَیْهِ السَّلامُ.

2- «ق»، «ع»: بِرَبِّ.

## آداب و ثواب

برای خواندن حدیث شریف کسا، طهارت لازم نیست؛ ولی برای نتیجه گیری بهتر، خوب است با طهارت ظاهر و باطن، توجّه و حضور قلبی، رو به قبله و با ایمان و اعتقاد به استجابت دعا، خوانده شود.

خواندن حدیث شریف کسا دارای ثواب و اجر معنوی بسیار می باشد که به برخی از آنها اشاره می شود:

## فرودآمدن رحمت الهی

زیرا از مجالس احیای امر اهل بیتعليه‌السلام و ذکر فضائل آنان است، گرد آمدن فرشتگان در آن مجلس و درخواست آمرزش فرشتگان از خداوند برای خوانندگان دعا تا هنگامی که دعا تمام شود، برطرف شدن غم و اندوه و پریشانی از خوانندگان این حدیث شریف، برآورده شدن حاجت های خوانندهٴ این دعا از جانب خدای تعالی و رستگاری دنیا و آخرت.

## توصیه و خاتمه

بر مؤمنان و موالیان حضرات معصومین صلوات الله علیهم اجمعین است که به وسیلهٴ انس با مجالس توسّل و ذکر فضائل و مناقب ائمّه اطهارعليه‌السلام و توسّلات وارد شده از جانب آنها، ارتباط خود را با آن حضرات، هرچه بیشتر نموده و مانند مجالس دعاهای ندبه، توسّل و کمیل و زیارت های عاشوراء، آل یاسین و جامعهٴ کبیره که بحمدالله تعالی در مساجد و حسینیه ها و خانه ها از رونق خوبی برخوردار است، جلسه هایی تشکیل داده و این حدیث شریف را زمزمه نموده و از درگاه خداوند متعال رفع گرفتاری ها، به ویژه درخواست تعجیل فرج اعلی حضرت آیه الله العظمی، ولیّ الله الأعظم و صاحب الأمر، الحجّه بن الحسن المهدیّ عجّل الله تعالی فرجه الشّریف و شفا و بهبودی عاجل بیماران را درخواست نمایند.

امید است مؤمنان و خوانندگان محترم، این کمترین شیفتهٴ

خاندان عصمت و طهارتعليه‌السلام را از دعای خیر فراموش نکنند.

اللّهمّ بحقّ فاطمه و ابیها و بعلها و بنیها

و السّرّ المستودع فیها، عجّل لولیّک الفرج و العافیه و النّصر.

تمام شد در سحرگاه جمعه23 شعبان المعظّم 1417 ه

و الحمدلله ربّ العالمین.

حیدرحسین التربتی الکربلائی

امام حسن زکی عسکری علیه السلام فرمودند:

ما امامان حجت های خدا بر آفریدگان او هستیم وجد ما حضرت فاطمه حجت خدا بر ماست

طیب البیان فی التفسیر القرآن ج12 ص 225

فهرست مطالب

[پیش گفتار 2](#_Toc461274856)

[مقدّمهٴ اوّل: شبهه ها دربارهٴ حدیث کساء 4](#_Toc461274857)

[منابع حدیث کساء 6](#_Toc461274858)

[نظم حدیث کسا 15](#_Toc461274859)

[چند نکته 17](#_Toc461274860)

[محدّث و دانشمند فقید، سیّد عبدالرّزاق موسوی مقّرم قدّس سرّه می نویسد 18](#_Toc461274861)

[منابع، اسناد و راویان حدیث 21](#_Toc461274862)

[مقدّمهٴ دوّم: اضافات و پاسخ به سایر شبهه ها 22](#_Toc461274863)

[الف: گفته شده است: این سلسه سند به لحاظ تاریخی 24](#_Toc461274864)

[پاسخ: بزرگانی از پیروان خلفای سقیفه ملعونه، چون احمد 26](#_Toc461274865)

[رمز های نام منابع برای ذکر اختلاف نسخه ها 35](#_Toc461274866)

[متن مقابله شدهٴ حدیث شریف کسای یمانی 36](#_Toc461274867)

[آداب و ثواب 43](#_Toc461274868)

[فرودآمدن رحمت الهی 44](#_Toc461274869)

[توصیه و خاتمه 45](#_Toc461274870)

[امام حسن زکی عسکری علیه السلام فرمودند 46](#_Toc461274871)

[فهرست مطالب 47](#_Toc461274872)